

تفسیر سوره

نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲﴾ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۳﴾ أَنْ أَعْبُدُوا
اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را قبل از آنکه
عذابی دردآور به سراغشان بیاید هشدار بده. (نوح) گفت: ای قوم من!
همانا من برای شما هشدار دهنده‌ای آشکارم. خدا را بپرستید و از او پروا
داشته باشید و مرا اطاعت کنید.

نکته‌ها:

- داستان حضرت نوح به طور تفصیل در سوره‌های اعراف، هود، مؤمنون، شعراء، قمر و نوح
آمده و مفصل‌ترین آن در سوره هود از آیه ۲۵ تا ۴۹ است.
- قوم نوح، نسبت گمراهی به آن حضرت دادند. ﴿إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^(۱) دائماً او را
مسخره می‌کردند. ﴿كَلِمًا مَّرَّ عَلَيْهِ قَوْمٌ سَخِرُوا﴾^(۲) سبک مغز و دیوانه‌اش خواندند. ﴿مَجْنُونٍ وَ
از دجر﴾^(۳) اما آن حضرت باز هم آنان را هدایت می‌کرد.
- بالاترین رسالت انبیا، دعوت به توحید ﴿ان اعبدوا الله﴾ اطاعت از رهبر آسمانی،
﴿واطيعون﴾ و رعایت تقواست. ﴿واتقوا﴾

۳. قمر، ۹.

۲. انبیاء، ۳۶.

۱. اعراف، ۶۰.

□ تبلیغ باید گام به گام باشد. حضرت نوح ابتدا به قوم خود هشدار داد ﴿إلى قومه﴾ ولی کم‌کم رسالت خود را به تمام مردم ابلاغ کرد و بعد از سرسختی به آنان نفرین کرد. ﴿لا تذر علی الارض من الکافرین دیّاراً﴾^(۱)

ویژگی های حضرت نوح علیه السلام در قرآن

- سلام مخصوص خداوند به او: ﴿سلام علی نوح فی العالمین﴾^(۲) خداوند به ابراهیم و موسی و هارون و الیاس و بندگان صالحش سلام کرده، ولی در هیچ یک از این سلام‌ها کلمه ﴿فی العالمین﴾ نیامده است.

- تنها پیامبری است که مدت نبوت او در قرآن ذکر شده است. (۹۵۰ سال)

- تنها پیامبری است که همسر و فرزند و قومش با او مخالفت کردند.

- تنها پیامبری که بیشترین عمر را کرد، به امر خدا کشتی ساخت، بقای حیوانات به وسیله کشتی او بود و وسیله نجات نسل بشر شد و به نام ابوالبشر ثانی ملقب شد.

- اولین پیامبری که دارای کتاب و شریعت جهانی شد.^(۳)

- پیامبری که خداوند با نفرین او زمین را در آب غرق کرد.

- پیامبری که بعد از ۹۵۰ سال، یاران او به ده نفر هم نرسید.

پیام‌ها:

۱- در نقل تاریخ گذشتگان، باید به قسمت‌های سازنده اکتفا کرد و نقل جزئیات

مکانی و زمانی، در تربیت نقشی ندارد. ﴿ارسلنا نوحاً﴾

۲- برای افراد غافل، هشدار لازم است نه بشارت. ﴿ان انذر قومك﴾

۳- عقاب قبل از بیان، جایز نیست. ﴿انذر قومك من قبل ان یأتیهم عذاب الیم﴾

۴- هشدارهای دینی، باید شفاف و دلسوزانه باشد. ﴿انّی لکم نذیر مبین﴾

۵- پیروی از انبیا، نتیجه و ثمره ایمان به خدا و معاد است. اول توحید و تقوی،

سپس اطاعت از پیامبر. ﴿ان اعبدوا الله واتّقوه و اطیعون﴾

۱. نوح، ۲۶.

۲. صافات، ۷۹.

۳. کنز العمال، حدیث ۳۲۳۹۱.

﴿ ۴ ﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ
اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

(اگر چنین کنید) خداوند بخشی از گناهانتان را می‌بخشد و عمر شما را تا زمان تعیین شده به عقب می‌اندازد (و از مرگهای قهرآمیز شما را دور می‌دارد) اما اجل معین شده (از سوی) خدا، هنگامی که فرارسد تأخیر بردار نیست. اگر می‌دانستید.

نکته‌ها:

■ انسان دارای دو اجل است:

اجلی که با عبادت و تقوا به تأخیر و با گناه و خلاف جلو می‌افتد.

اجل نهایی که قابل تغییر نیست و نامش «اجل مسمی» است.

■ امام صادق علیه السلام فرمودند: «يعيش الناس باحسانهم اکثر ممّا يعيشون باعمارهم و يموتون بذنوبهم اکثر ممّا يموتون بأجلهم»^(۱) بیشتر عمر مردم بخاطر احسان و بیشتر مرگ‌ها بخاطر گناهان است و کمتر کسی است که عمر یا مرگش به طور طبیعی باشد.

پیام‌ها:

۱- گناهان گذشته، با ایمان آوردن بخشیده می‌شود. ﴿أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ... يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ﴾

۲- تنها بخشی از گناهان که حق الله است، قابل بخشش است. ﴿مَنْ ذُنُوبِكُمْ﴾ (ولی حق الناس را باید صاحب حق ببخشد).

۳- ایمان و عمل صالح، سبب طول عمر و دفع بلا می‌شود. ﴿يُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ آجَلٍ﴾

۴- علاقه به زندگی و کامیابی، خواسته‌ای طبیعی است که پاداش خوبی‌ها قرار گرفته است. ﴿يُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ آجَلٍ﴾

۵- عمر را نهایت و پایانی است و قابل تغییر نیست. ﴿إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ﴾

۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰.

۶- از آمدن مر بترسید و ایمان آورید. ﴿أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ... إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ﴾
 ۷- انسان رابطه میان ایمان و عمل صالح با طول عمر را نمی داند. ﴿لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

﴿۵﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿۶﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ
 دَعَاءِي إِلَّا فِرَارًا ﴿۷﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا
 أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَ
 أَسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿۸﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿۹﴾ ثُمَّ إِنِّي
 أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

(نوح) گفت: پروردگارا همانا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم. ولی دعوت من جز بر فرار آنان نیفزود. و البته هرگاه که آنان را دعوت کردم تا (ایمان آورند و) تو آنان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوشهایشان نهادند و لباسهایشان را بر سر کشیدند و (بر طغیان خود) اصرار کردند و سخت تکبر ورزیدند. آنگاه من آنان را با صدای بلند دعوت کردم. سپس گاهی به طور آشکار و گاهی در نهان (با آنان سخن) گفتم.

نکته‌ها:

- برخورد قوم نوح با آن حضرت به گونه‌ای بود که گاه دست فرزندان خود را می‌گرفتند و نزد حضرت نوح می‌آوردند و می‌گفتند: همان گونه که پدران ما به ما سفارش کردند ما نیز به شما می‌گوییم که حرف این مرد را گوش ندهید.
- میان کفار زمان حضرت نوح و کفار زمان پیامبر اسلام ﷺ، شباهتهایی است، از جمله:

۱- فرار از حق

فرار قوم نوح: ﴿فَلَمْ يَزِدْهُمْ دَعَائِي إِلَّا فِرَارًا﴾^(۱)

فرار قوم پیامبر: ﴿أَنْ يَرِيدُوا إِلَّا فِرَارًا﴾

۲- دعوت برای مغفرت

حضرت نوح: ﴿دعوتهم لتغفر لهم﴾

پیامبر اسلام: ﴿تعالوا يستغفر لكم رسول الله لوّوا رؤسهم﴾^(۱)

۳- تکبر و استکبار

کفّار زمان نوح: ﴿واستكبروا استكبارا﴾

کفّار زمان پیامبر: ﴿ثم ادبر و استكبر﴾^(۲)

۴- گوش ندادن به وحی

کفّار زمان نوح انگشت در گوش می‌نهادند تا نشنوند. ﴿جعلوا اصابعهم في آذانهم﴾

کفّار زمان پیامبر نیز می‌گفتند به قرآن گوش ندهید و هنگام تلاوت پیامبر جنجال کنید تا

شاید پیروز شوید. ﴿لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فيه لعلكم تغلبون﴾^(۳)

پیام‌ها:

۱- خداوند به تمام احوال انسان آگاه است، اما مناجات لازم است. ﴿ربّ ائی...﴾

۲- ناله به درگاه حق، شیوه انبیاست. ﴿ربّ ائی دعوت قومی﴾

۳- ارشاد و تبلیغ مردم باید مستمر باشد. ﴿لیلاً و نهراً﴾

۴- اگر زمینه پذیرش نباشد، دعوت شبانه روزی پیامبر هم اثری ندارد. ﴿لیلاً و

نهراً فلم یزدهم دعای الا فراراً﴾

۵- مردم آزادند و می‌توانند در برابر اصرار انبیا، اصرار بر خلاف کنند. ﴿لم یزدهم

دعای الا فراراً﴾

۶- دعوت نوح همیشه با واکنش منفی روبرو بود. ﴿کلّما دعوتهم... جعلوا اصابعهم﴾

۷- لجاجت به مرحله‌ای می‌رسد که لجوج نه گوش می‌دهد: ﴿جعلوا اصابعهم في

آذانهم﴾، نه نگاه می‌کند، ﴿واستغشوا ثیابهم﴾، نه از کار خود دست برمی‌دارد

﴿واصرّوا﴾ و نه کوتاه می‌آید. ﴿واستكبروا استكبارا﴾

۱. منافقون، ۵.

۲. مدثر، ۲۳.

۳. فصلت، ۲۶.

- ۸- در تبلیغ باید شرایط زمان و مکان و حالات افراد را در نظر گرفت. گاهی باید سرّی باشد و خصوصی، گاهی علنی و عمومی. ﴿لَيْلًا وَ نَهَارًا... دَعْوَتَهُمْ جَهَارًا... اَعْلَنَتْ لَهُمْ... اسررت لهم﴾
- ۹- انبیا در رسالت خود کوتاهی نکردند. ﴿دَعْوَتِ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا... دَعْوَتَهُمْ جَهَارًا... اسررت لهم اسراراً﴾

﴿ ۱۰ ﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿ ۱۱ ﴾ يُرْسِلُ
السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿ ۱۲ ﴾ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ
لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا

پس گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است. آسمان را بر شما ریزش کنان می‌فرستد. و شما را با اموال و فرزندان یاری می‌کند و برای شما (از همان آب باران) باغ‌ها قرار می‌دهد و برای شما نهرها جاری می‌سازد.

نکته‌ها:

- «مِدرار» از «در» به معنای ریزش فراوان باران است.
- در آیات متعددی از قرآن ارتباط تنگاتنگ عقیده و عمل فاسد با قحطی و فقر و همچنین عقیده و عمل صالح با رفاه و امنیت مطرح است.
- چنانکه در یک جا می‌فرماید: ﴿و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ﴾^(۱) اگر مردم اهل تقوی و ایمان باشند، برکات آسمان را به روی آنان می‌گشاییم. و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ آيَاتِي النَّاسِ﴾^(۲) مشکلات در خشکی و دریا به خاطر عملکرد مردم است.
- هدف انبیا نجات بشر از قهر الهی است. از اول سوره تا اینجا، سه مرتبه سخن از استغفار

شد. آیه سوم: ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ﴾، آیه هفتم: ﴿دَعْوَتِهِمْ لِتَغْفِرْ لَهُمْ﴾ و این آیه: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ﴾

پیام‌ها:

- ۱- از انسان استغفار، از خدا بخشش. ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ... إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾
- ۲- عفو و بخشش، از سنت‌های الهی است. ﴿كَانَ غَفَّارًا﴾
- ۳- برای دعوت به خیر، تشویق معنوی و مادی لازم است. ﴿غَفَّارًا... مَدْرَارًا﴾
- ۴- آمرزش گناهان، زمینه دریافت الطاف بعدی است. ﴿اسْتَغْفِرُوا... يَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا﴾
- ۵- باران، یکی از مهم‌ترین نعمت‌های الهی است. ﴿يَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا﴾
- ۶- یکی از آثار ایمان، بهبود زندگی مادی است. ﴿يَرْسِلِ السَّمَاءَ... يَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ...﴾
- ۷- فراوانی مال و فرزند و باغ و آب، یک ارزش و پاداش الهی است. ﴿بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعِلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ... أَنهَارًا﴾

﴿۱۳﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿۱۴﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿۱۵﴾
 أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ﴿۱۶﴾ وَ جَعَلَ
 الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿۱۷﴾ وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِّنَ
 الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿۱۸﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿۱۹﴾ وَ
 اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿۲۰﴾ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

شما را چه شده که از عظمت خداوند نمی‌ترسید؟ در حالی که خداوند شما را در مراحل گوناگون آفریده است. آیا نمی‌بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفریده است. و میان آنها ماه را نوری و خورشید را چراغی قرار داده است. و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویاند. سپس شما را در همان زمین باز می‌گرداند و شما را بیرون می‌آورد. و خداوند زمین را برای شما بستری گسترده قرار داده است. تا در راههای وسیع آن رفت و آمد کنید.

نکته‌ها:

- کلمه «وقار» به معنای ثبوت و چیزی است که سبب عظمت می‌شود. «أطوار» جمع «طور» به معنای حالت، مرحله یا صنف است.
- «بساط» از «بسط» به معنای گسترده و «فجاج» جمع «فج» به معنای جاده وسیع است.
- کلمه «رجاء» در مقابل یأس است و هرگاه با حرف نفی بیاید به معنای خوف است، یعنی: شما را چه شده که از عظمت خدا نمی‌ترسید؟ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: معنای آیه این است: «لا تخافون لله عظمة»^(۱)
- برخی مقصود «رجاء» را اعتقاد دانسته‌اند، زیرا کسی که به چیزی امید دارد قهراً به آن اعتقاد دارد و معنای آیه این است: چه شد شما را که برای خدا عظمتی قائل نیستید.^(۲)
- «طباق» یا به معنای موافق و مطابق است و یا به معنای طبقه طبقه قرار گرفتن روی هم.
- انسان در برخاستن از عناصر طبیعت و زمین، در رشد تدریجی، در کهن شدن و خشک شدن، در باثمر بودن و بی‌ثمر بودن، در تغذیه از زمین، در نیاز دائمی به مربی و باغبان، مثل سایر نباتات است. «انبتکم من الارض نباتا»

پیام‌ها:

- ۱- هشدار به شکل سؤال، یکی از شیوه‌های تربیت است. «ما لکم...»
- ۲- توجه به مراحل آفرینش، انسان را به عظمت خداوند متوجه می‌کند. «لا ترجون لله وقارا و قد خلقکم اطوارا»
- ۳- حضرت نوح که هزاران سال قبل از حضرت عیسی و موسی بوده، مردم را به زیست‌شناسی و کیهان‌شناسی دعوت کرد. «خلقکم اطوارا... سبع سموات طباقا»
- ۴- شناخت طبیعت، راهی برای شناخت خداست. «الم تروا...»
- ۵- تمام هستی، کلاس توحید است. «خلقکم، خلق الله سبع سموات، جعل القمر، جعل الشمس، انبتکم، یعیدکم، یخرجکم»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر راهنما.

- ۶- کارهای الهی، هدفمند است. ﴿جعل لكم الارض بساطاً لتسلكوا﴾
 ۷- توجه به نقش خورشید و ماه در زندگی بشر، راهی برای خداشناسی است.
 ﴿جعل القمر... نوراً و جعل الشمس سراجاً﴾
 ۸- بشر به سیر و سفر و راه‌های وسیع نیاز دارد. ﴿تسلكوا منها سبلاً فجاجاً﴾

﴿۲۱﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَ
 وَلَدَهُ إِلَّا خَسَاراً ﴿۲۲﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا ﴿۲۳﴾ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ
 آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا

نوح گفت: پروردگارا همانا مردم مرا نافرمانی کردند و از کسی پیروی
 کردند که مال و فرزندش جز بر خسارتش نیفزود. و نیرنگی بس بزرگ به
 کار بستند. و گفتند: معبودهای خودتان را رها نکنید و دست از (بت‌های)
 وَدَّ و سُوَاع و يَعُوق و نَسْر بر ندارید.

نکته‌ها:

- در قرآن، کلمات «أصنام»، «أوثان»، «نُصُب» و «تَمَثِيل» به معنای بت آمده است ولی نام
 بت‌های معروف مشرکان به صورت خاص آمده است. نام پنج بت در این آیه و نام «لات» و
 «عُزَّى» و «مناة» در سوره نجم آمده است.

پیام‌ها:

- ۱- مردان خدا، شکوه‌ها را نزد او می‌برند. ﴿رَبِّ انْتَهُم عَصُونِي﴾
- ۲- نقل مظلومیت‌ها، درس پایداری برای دیگران است. ﴿عَصُونِي﴾
- ۳- کسی که از رهبر حق پیروی نکند، دنبال ناهالان می‌رود. ﴿عَصُونِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ
 يَزِدْهُمْ... إِلَّا خَسَاراً﴾
- ۴- ناله نوح برای خسارت مردم است نه غربت خودش. ﴿عَصُونِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُمْ
 مَالَهُ وَ وَلَدَهُ إِلَّا خَسَاراً﴾

- ۵- هر مال و فرزندی نعمت نیست. ﴿لم یزده ماله و ولده الا خسارا﴾
- ۶- قدرت اقتصادی و اجتماعی سبب جذب مردم و پیروی و تاثیرپذیری آنان می شود. ﴿واتبعوا من لم یزده ماله و ولده...﴾
- ۷- پیامبران در قطب مخالف صاحبان زر و زور و تزویرند. ﴿عصونی و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده... و مکروا مکرا کبارا﴾
- ۸- قوم نوح از هیچ عملی فروگذار نکردند: نافرمانی نوح، پیروی ناهلان، مکر و توطئه، و اصرار بر حفظ بت ها. ﴿عصونی... اتبعوا... مکروا... قالوا...﴾
- ۹- آیین شرک حافظ منافع صاحبان زر و زور است. ﴿لا تذرنا الهتکم﴾
- ۱۰- برای عبرت دیگران، گاهی باید نام سران محو شده را ببریم. ﴿وداً... سواعاً... یغوث و یعوق و نسرا﴾
- ۱۱- رهبر الهی باید قله های فساد را بشناسد. ﴿یغوث و یعوق و نسرا﴾
- ۱۲- برای کسی که از راه مستقیم خارج شود، راههای انحرافی متعددی باز می شود. ﴿یغوث و یعوق و نسرا﴾

﴿۲۴﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿۲۵﴾ مِمَّا

حَطِيبَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

و بی گمان بسیاری را گمراه کردند، پس (پروردگارا) ظالمین را جز گمراهی نیفز. آنان به خاطر خطاهایشان غرق شدند و در آتشی و صفناپذیر داخل شدند، و برای خود، غیر از خدا یآوری نیافتند.

نکته ها:

- ظاهر جمله ﴿اغرقوا فادخلوا ناراً﴾ آن است که پس از غرق شدن وارد آتش شدند و البته این غیر از آتش دوزخ است که پس از قرنهای وارد می شوند، بلکه آتش برزخی است.
- در قرآن، افراد و اموری، وسیله انحراف معرفی شده اند، از جمله: سخن لهو، نشر اکاذیب و شایعات، سوء استفاده از مقدّسات، بدل نمایی، شیطان، طاغوت، هنرمند منحرف، علمای

بی تعهد و دین فروش که حقیقت را کتمان می‌کنند، کسانی که دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و منافقان.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- هر چیزی که به جای حق بنشیند، سبب انحراف و گمراهی می‌شود. ﴿لا تدرنّ اهتکم... و قد ضلّوا...﴾
- ۲- تبلیغات سوء، اثر خود را می‌گذارد. ﴿قالوا لا تدرنّ اهتکم... و قد ضلّوا کثیراً﴾
- ۳- گمراهی و انحراف درجاتی دارد. ﴿لا تزد الظالمین الا ضلالاً﴾
- ۴- قهر و کیفر الهی به خاطر عملکرد خود ماست. ﴿مّا خطیئاتهم اغرقوا﴾
- ۵- شرک بستر خطاهاست. ﴿لا تدرنّ اهتکم... مّا خطیئاتهم اغرقوا﴾
- ۶- غرق قوم نوح، کیفر بخشی از انحرافات آنان بود. ﴿مّا خطیئاتهم﴾
- ۷- آتش برزخی، در وسط آب نیز هست. ﴿اغرقوا فادخلوا ناراً﴾
- ۸- کیفر رها کردن رسول خدا، بی‌یاور شدن است. ﴿عصونی... لم یجدوا لهم من دون الله انصاراً﴾
- ۹- کسی که خدا دارد، نه یک یار، که یارانی دارد. ﴿لم یجدوا من دون الله انصاراً﴾
- ۱۰- در برابر قهر الهی، مال و ثروت و بت و مکر و حيله، فرزند و طرفدار هیچ یک کارایی ندارند. ﴿فلم یجدوا لهم من دون الله انصاراً﴾

﴿۲۶﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً

﴿۲۷﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّاراً

و نوح گفت: پروردگارا از این کافران هیچ کس بر زمین باقی نگذار. زیرا اگر آنان را باقی گذاری بندگان را گمراه می‌کنند و جز گناهکار و کفرپیشه نمی‌زایند.

۱. لقمان، ۶؛ انفال، ۱۴۴؛ نساء، ۴۴ و ۶۰؛ منافقون، ۲؛ انفال، ۳۶؛ طه، ۷۹ و ۸۵؛ احزاب، ۱۰؛ آل عمران، ۶۹؛ توبه، ۹؛ ابراهیم، ۳.

نکته‌ها:

- به حضرت نوح وحی شد که از قوم تو جز افرادی که ایمان آورده‌اند دیگری ایمان نخواهد آورد: ﴿اوحی الی نوح انه لن یؤمن من قومک الا من قد امن﴾^(۱) به علاوه تجربه ۹۵۰ سال تبلیغ برای شناسایی مردم کافی است که بدانند این نسل و حتی نسل بعدی قابل هدایت نیستند و لذا دست به نفرین برداشت.
- «دیّار» از «دار» به معنای کسی است که در خانه ساکن است.
- مردان خدا به خود فکر نمی‌کنند، بلکه به فکر هدایت نسل‌های امروز و فردا هستند. با اینکه حضرت نوح توهین‌ها شنید و شکنجه‌ها دید، ولی دلیل نفرین خود را انحراف داشتن و منحرف کردن بیان کرد.

پیام‌ها:

- ۱- استفاده از نفرین در آخرین مرحله جایز است. ﴿ربّ لا تذر...دیّاراً﴾
- ۲- رسالت نوح جهانی بوده است. ﴿علی الارض﴾
- ۳- با ادبیات خود مردم سخن بگویید. در برابر ﴿لا تذرّن الهتکم، لا تذرّن ودا﴾ حضرت نوح می‌گوید: ﴿لا تذر علی الارض...﴾
- ۴- سلامت فکری جامعه بر سلامت جسمی فرد مقدم است. کسانی که مردم را منحرف می‌کنند، اگر هلاک شوند بهتر است. ﴿لا تذر علی الارض... یضلّوا عبادک﴾
- ۵- با افراد و عوامل گمراه‌کننده، باید برخورد جدی و قاطع صورت گیرد. ﴿ان تذرهم یضلّوا عبادک﴾
- ۶- وراثت در تربیت نقش مهمی دارد. ﴿و لا یلدوا الا فاجراً کفّاراً﴾
- ۷- انسان به جایی می‌رسد که در عقیده و عمل راهی برای اصلاح خود باقی نمی‌گذارد. ﴿فاجراً﴾ در عمل، ﴿کفّاراً﴾ در عقیده.

﴿۲۸﴾ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و هرکس که با ایمان به خانه‌ام وارد شود
و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرزد و ظالمان را جز هلاکت نیفزاید.

نکته‌ها:

- چشم انداز دعا باید گسترده باشد. هم گذشته و حال را شامل شود، هم خود و بستگان و هم تمام مؤمنان تاریخ را.
- امام رضا علیه السلام فرمودند: مسجد کوفه، خانه نوح بوده است و مراد از «دخل بیتی مؤمناً» کسانی هستند که وارد مسجد کوفه شوند.
- در کربلا، امام حسین علیه السلام، برخی از مخالفان را نمی‌کشت و می‌فرمود: «انّ الذی لا اقتله اری فی صلبه من اهل الایمان»^(۱) من هر مخالفی را که در نسل او مؤمنی بینم نمی‌کشم.

پیام‌ها:

- ۱- در دعا و نفرین، از کلمه مبارکه «رب» کمک بگیریم. «رب لا تذر... رب اغفرلی»
- ۲- انبیا با آن همه تلاش مغرور نمی‌شدند. پیامبری که می‌گفت: «انّی دعوت قومی لیلاً و نهاراً» می‌گوید: «رب اغفرلی...»
- ۳- در آموزش خواهی از خداوند، مقدم داشتن خود بر دیگران کاری پسندیده است. «اغفرلی و لوالدئ...»
- ۴- بستگان سببی و نسبی، زمانی مشمول عنایت هستند که وابسته فکری نیز باشند. «و لمن دخل بیتی مؤمناً»
- ۵- در دعا، برای مؤمنان رحمت و مغفرت و برای ظالمان، نابودی و هلاکت، طلب کنید. «رب اغفر... للمؤمنین... و لا تزد الظالمین الاً تباراً» «والحمد لله»

۱. موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۵۰۵.